

از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید
جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای
اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور
ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی
گسترده ترو مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی
جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل
و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت
حکومت اسلامی در ایران

- جمعی از بازنشستگان مطالبه‌گر کرمانشاه: تا حق خود نگیریم ، یکشنبه‌ها می‌آییم!

- مطالبه گران کف خیابان گیلان:

راهی نمی ماند که به کف خیابان آمده و به یکشنبه های اعتراضی سراسری بپیونددیم

- دانشگاه تهران، همچنان داغدار فرزندان

- کشته شدن سام حسنی، کودک ۱۵ ساله، با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی

- کانون نویسندگان ایران: تداوم فشار بر اهل قلم؛ از زندان تا احکام سنگین قضایی

- ادامه تجمعات اعتراضی در آمریکا نسبت به سیاست‌های سختگیرانه مهاجرتی و عملیات مأموران اداره مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE)

- ادامه اعتراضات در آلبانی علیه سیاست‌های دولت

*جمعی از بازنشستگان مطالبه‌گر کرمانشاه: تا حق خود نگیریم ، یکشنبه‌ها می‌آییم!

پس از سال‌ها تلاش و زحمت در عرصه‌ی کار و تولید و ارائه‌ی خدمات، امروز که در دوران بازنشستگی به‌سر می‌بریم، افزایش حقوق‌ها متناسب با سبد هزینه‌ی زندگی، رهایی از فقر و تأمین درمان مناسب مطابق با استانداردهای روز دنیا حق ماست.

ما خواهان یک زندگی انسانی و بدون دغدغه هستیم و بردگی و مرگ تدریجی را نخواهیم پذیرفت.

و عده دیدار ما:

● یکشنبه، ۲۱ تیرماه ۴۰۵

● ساعت ۱۰ صبح

● سه‌راه ۲۲ بهمن مقابل اداره‌ی کل تأمین اجتماعی

همسرنوشتان عزیز،

پیروزی ما در گرو اتحاد و همصدایی سراسری ماست، لطفاً به سایر دوستان خود اطلاع دهید.

جمعی از بازنشستگان مطالبه‌گر کرمانشاه

جمعه ۱۹ تیر ۱۴۰۵

***مطالبه گران کف خیابان گیلان:**

راهی نمی‌ماند که به کف خیابان آمده و به یکشنبه‌های اعتراضی سراسری بپیونديم

مردم شریف و آگاه ایران!

ما این سناریو را بارها آزموده ایم؛ چند موشک، چند روز هیجان و استرس، سپس آتش بس و بلا تکلیفی؛ هیچ برنامه‌ای برای بهبود کیفیت زندگی مردم اجرا نمی‌شود تا گرده‌ی مردم، همچنان زیر بار گرانی، له شود.

هر بار که فشار افکار عمومی بر سر اقتصاد و معیشت افزایش پیدا می‌کند، بحران دیگری، همه نگاه‌ها را از همه مطالبات برحق مردم منحرف می‌کند!

در حالی که طی دو روز گذشته، اخبار جنگ و تنش‌های نظامی در منطقه دوباره به صدر خبرها بازگشته، یک پرسش اساسی و بنیادی، همچنان بی‌پاسخ مانده است؛ آیا حاکمیت بار دیگر قرار است به جای کاهش بحران‌های اقتصادی، کشور را به کام جنگ؛ همان‌الگوی همیشگی حزب الله و نیابتی‌هایش در کشورهای منطقه بیفکند!

اگر هر بار با شکل‌گیری یک بحران جدید، تمام توجه‌ها از اقتصاد و معیشت مردم منحرف شود، آیا بحران‌های جایگزین پاسخ‌گوشده‌اند؟!

فقر و فاصله طبقاتی چون مثلث برمودا، همه ی اقشار را بلعیده و 80٪ آن را از مرز بحران گذرانده و به سیاهچاله ی مرگ، پرتاب کرده است.

هرنوع مطالبه گری، به بی رحمانه ترین شکل، سرکوب می شود. کارگران، معلمان، وکلا، کادر پزشکی، دانشجویان،... در صورت اعتراض، بازداشت، زندانی و اعدام می شوند.

بنابر این راهی نمی ماند که به کف خیابان آمده و به یکشنبه های اعتراضی سراسری بپیوندیم، و فریاد برآوریم:

"-مسعود فرهیخته آزاد باید گردد

" - -معلم زندانی آزاد باید گردد."

"-کارگر زندانی آزاد باید گردد."

"-معترض زندانی آزاد باید گردد."

" - دانشجوی زندانی آزاد باید گردد."

"-ماده 96 اجرا باید گردد."

"-ماده 54 اجرا باید گردد."

"-نه به جنگ و نه به استبداد."

--زمان:یکشنبه 21 تیر 405 ساعت 10.30

--مکان: رشت، گلزار، مقابل اداره کل تامین اجتماعی استان گیلان.

(مطالبه گران کف خیابان گیلان)

***دانشگاه تهران، همچنان داغدار فرزندان**

اکنون ۶ ماه از شبهایی میگذرد که #رها_بهلولی #آیدا_حیدری و #محمدرضا_مرادعلی در کنار هزاران فرزند دیگر ایران، به دست قاتلانِ دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی کشته شدند و تن جوان و آرزومندشان به خاک سپرده شد.

آیدا، رها و محمدرضا، در شبهای ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴، به شلیک گلولهٔ مزدوران و مأموران نظام جمهوری اسلامی کشته شدند. تلاش‌های همیشگی حکومت برای تحریف و پوشاندن جنایت‌هایش بی‌نتیجه مانده و روایتِ حقیقتِ زندگی، آرمان‌ها و قتل آنها و آرزوهایشان در سینهٔ دردمند تمام مردم آزاده جاودان است.

در راه «زن زندگی آزادی»، برای ایرانی آزاد و به دور از سایهٔ ظلم و خفقان استبداد، در راه انقلابی برای زندگی، جان آنها را گرفتند.

ما دانشجویان آزاده در کنار تمام مردم آزاده ایران، نام و یاد شما و آرمان‌ها و شجاعت شما را هیچ‌وقت از یاد نخواهیم برد. چرا که ما به خون شما قسم خورده‌ایم که تا پایان این ظلم و ستم بایستیم و در راه آزادی بجنگیم.

کانال دانشگاه تهران – دانشجو

***کشته شدن سام حسنی، کودک ۱۵ ساله، با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی**

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، #سام_حسنی، کودک ۱۲ ساله اهل روستای «دهرمکی» از توابع سروآباد، شامگاه پنج‌شنبه ۱۸ تیرماه ۱۴۰۵، بر اثر شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی جان خود را از دست داد. بر پایه این گزارش‌ها، این کودک بدون هیچ‌گونه هشدار قبلی هدف تیراندازی قرار گرفت و در نتیجه جراحات وارده جان باخت. همچنین پدر وی، احسن حسنی، نیز در این تیراندازی از ناحیه ران زخمی شده است.

کشته شدن کودکی ۱۵ ساله با شلیک نیروهای مسلح، بار دیگر عمق فاجعه‌ای را آشکار می‌کند که سال‌هاست جان کودکان و نوجوانان مناطق مرزی را قربانی فقر، تبعیض و خشونت ساختاری کرده است. کودکانی که باید در کلاس درس باشند، نه در تیررس گلوله.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، کشته شدن سام حسنی را قویاً محکوم می‌کند. شلیک به یک کودک، تحت، نقض آشکار حق حیات و جنایتی علیه انسانیت و علیه آینده این سرزمین است. هیچ حکومتی حق ندارد به جای تأمین امنیت، آموزش و آینده کودکان، گلوله را نصیب آنان کند. ادامه این چرخه خونین در مناطق مرزی، نتیجه سیاست‌هایی است که فقر، محرومیت و تبعیض را بر این مناطق تحمیل کرده و جان کودکان را بی‌دفاع در معرض مرگ قرار داده است. شورای هماهنگی خواستار انجام یک تحقیق مستقل، شفاف و بی‌طرفانه درباره این قتل، پاسخگویی و محاکمه عاملان و آمران آن و پایان دادن به استفاده از سلاح مرگبار علیه شهروندان، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، است. سکوت در برابر ریخته شدن خون کودکان، هموار کردن راه تکرار چنین فجایعی است.

***کانون نویسندگان ایران: تداوم فشار بر اهل قلم؛ از زندان تا احکام سنگین قضایی**

همزمان با تشدید فضای امنیتی و پیامدهای جنگ، فشار بر اهل قلم نیز افزایش یافت. تشدید سانسور، محدودیت گردش آزاد اطلاعات و برخوردهای امنیتی، موج تازه‌ای از بازداشت، صدور احکام قضایی و محدودیت‌های مدنی علیه نویسندگان، شاعران، مترجمان و پژوهشگران را رقم زد؛ در حالی که اختلال در اطلاع‌رسانی، پیگیری وضعیت بسیاری از این پرونده‌ها را با دشواری و ابهام همراه کرده است.

در میان نویسندگان، شاعران و مترجمانی که همچنان در زندان به سر می‌برند، نیوشا بدیعی ثابت، نویسنده و روانشناس، از تیرماه ۱۴۰۳ در حبس است. او بر اساس حکمی که توسط شعبه اول دادگاه انقلاب بابل صادر شد، بابت اتهام «فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام» به پنج سال حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی و ۱۸ ماه ممنوعیت از هرگونه فعالیت آموزشی و پرورشی محکوم شده است.

شهرام طالبی‌نژاد، شاعر و فعال مدنی اهل تبریز، پس از بازداشت در دی‌ماه ۱۴۰۴، به شش سال حبس محکوم شد و همچنان دوران محکومیت خود را در زندان سپری می‌کند.

احسان رستمی، مترجم و ناشر، که در ۲۹ مرداد ۱۴۰۴ بازداشت و ۱۹ آذرماه بابت اتهام «بغی» تفهیم اتهام شد، در حبس به سر می‌برد.

کیوان رحیمیان، مترجم و روانشناس، که به اتهام «فعالیت‌های آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام» و «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت کشور» به ۹ سال حبس، شش سال محرومیت از حقوق اجتماعی و پرداخت ۵۰ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده بود، همچنان در زندان به سر می‌برد.

مهرگان نام‌آور، شاعر اهل دهدشت، روز ۱۶ تیرماه ۱۴۰۵ بازداشت شد. او پیش‌تر در یک پرونده به ۱۴ سال حبس محکوم شده بود که این حکم در مرحله تجدیدنظر به پنج سال کاهش یافت و بازداشت اخیر در ارتباط با اجرای همین حکم صورت گرفته است. نام‌آور پیش از این نیز در بهمن ۱۴۰۳ بازداشت و اسفند همان سال با تودیع وثیقه آزاد شده بود.

طی این دوره احکام سنگین و محدودیت‌های قضایی نیز برای شماری دیگر از اهل قلم صادر شده است. یوسف انصاری، نویسنده و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، از سوی شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب تهران به یک سال حبس، شامل چهار ماه حبس تعزیری و هشت ماه حبس تعلیقی، محکوم شده است که این حکم برای اجرا به واحد اجرای احکام ارسال شده است. او در جریان مراسم سالگرد بکتاش آبتین بازداشت و پس از حدود دو ماه با تودیع وثیقه آزاد شده بود.

فرناز جعفرزادگان، شاعر ساکن شیراز، به اتهام فعالیت‌هایی از جمله مشارکت در کارزار مخالفت با خشونت علیه زنان، کشف حجاب، مخالفت با «حجاب اجباری و مجازات اعدام»، به حبس تحت نظارت سامانه الکترونیکی «پابند تا هزار متر» و ممنوعیت خروج از کشور تا دو سال محکوم شده است. همچنین در این حکم، بخشی از اشعار، نوشته‌ها و نقدهای ادبی او، از جمله آثاری که پیش‌تر با مجوز رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده‌اند، مصداق «نشر اکاذیب»، «تشویش اذهان عمومی» و در مجموع «تبلیغ علیه نظام» عنوان شده است.

پیمان (امین) فرح‌آور، ترانه‌سرا و شاعر، به اعدام محکوم شده است. درخواست اعاده دادرسی او از سوی دیوان عالی کشور رد و حکم اعدام او برای بار دوم در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور تأیید شده است. این حکم بابت اتهام‌های «بغی» و «محاربه» از سوی دادگاه انقلاب رشت صادر شده و بر پایه شعرها و فعالیت‌های اعتراضی او در حوزه عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی است.

محمود طراوت‌روی، شاعر، وکیل دادگستری و عضو کانون نویسندگان ایران، در شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز به سه سال حبس محکوم شد. در همین پرونده، نازنین سالاری و مسعود احمدیان، وکلای دادگستری، نیز احکام مشابهی دریافت کردند. اتهام‌های وارد شده به آنان «اقدام علیه امنیت کشور» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» عنوان شده و علاوه بر حبس، به دو سال ممنوعیت خروج از کشور نیز به عنوان مجازات تکمیلی محکوم شده‌اند.

مصطفی مهرآیین، نویسنده و جامعه‌شناس، به اتهام‌های «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «اهاانت به مقام رهبری» به هشت سال حبس محکوم شده است.

همزمان، شماری از پرونده‌ها همچنان در مرحله بازداشت یا رسیدگی قضایی بلاتکلیف مانده‌اند و اطلاع‌رسانی محدود، وضعیت این افراد را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. علی اسداللهی، شاعر و عضو کانون نویسندگان ایران، پس از یورش به منزل و بازداشت در بهمن‌ماه ۱۴۰۴، همچنان با وضعیت نامشخص در روند رسیدگی قضایی روبه‌رو است و تاکنون دادگاهی برای رسیدگی به پرونده او برگزار نشده است.

وحید عزیزاده رزازی، شاعر، در انتظار برگزاری جلسه دادگاه خود است که ۲۱ تیرماه برگزار می‌شود. او در پی یورش شبانه مأموران امنیتی به منزلش، همراه با ضرب‌و‌شتم بازداشت و وسایل الکترونیکی‌اش ضبط شد. اتهام‌های او «اقدام علیه امنیت ملی» و «تشویش اذهان عمومی» عنوان شده است.

حمیدرضا آخوند نصیری، نویسنده و کارگردان، ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ در کاشان بازداشت شد. گزارش‌ها حاکی از آن بود که بازداشت با خشونت انجام شده و همزمان منزل او نیز تفتیش و برخی وسایل شخصی، از جمله تجهیزات الکترونیکی، ضبط شده است. تاکنون اطلاعی درباره آزادی، صدور حکم یا تعیین وقت دادگاه او منتشر نشده است.

داوود نوروزی، شاعر و نویسنده، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و تا زمان تنظیم این گزارش، اطلاعات موثقی درباره محل نگهداری و اتهامات او منتشر نشده است.

یاشار دارالشفاء، پژوهشگر علوم اجتماعی و فعال مدنی، صبح ۱۱ خرداد ۱۴۰۵ در پی یورش نیروهای امنیتی به منزلش در تهران بازداشت شد. مأموران ضمن تفتیش منزل، شماری از وسایل شخصی او را نیز ضبط کردند. تا زمان تنظیم این گزارش، اطلاعات روشنی درباره وضعیت یا محل نگهداری او منتشر نشده است. دارالشفاء پیش‌تر نیز سابقه بازداشت و تحمل حبس به دلیل فعالیت‌های مدنی و سیاسی داشته است.

***ادامه تجمعات اعتراضی در آمریکا نسبت به سیاست‌های سختگیرانه مهاجرتی و عملیات مأموران اداره مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE)**

روز 10 ژوئیه، موجی از اعتراض‌ها در چند شهر آمریکا در واکنش به سیاست‌های سختگیرانه مهاجرتی و عملیات مأموران اداره مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE) ادامه یافت. بخش مهمی از این اعتراض‌ها پس از کشته شدن «لورنزو سالگادو آراوخو»، کارگر مهاجر مکزیکی، در جریان یک عملیات بازداشت در هیوستون شکل گرفت و فعالان کارگری، مدافعان حقوق مهاجران و سازمان‌های مدنی خواستار انجام یک تحقیق مستقل درباره این حادثه شدند. معترضان با تجمع و راهپیمایی، سیاست‌های دولت در برخورد با کارگران مهاجر را محکوم کرده و بر نقش حیاتی آنان در بخش‌های کشاورزی، ساختمان و خدمات تأکید کردند.



همزمان، ادامه عملیات مهاجرتی در مراکز تولیدی و کشاورزی نگرانی گسترده اتحادیه‌های کارگری را برانگیخته است. فعالان کارگری هشدار داده‌اند که بازداشت و اخراج کارگران مهاجر، علاوه بر نقض حقوق انسانی، کمبود نیروی کار و فشار بیشتری بر دستمزد و شرایط کار در برخی صنایع ایجاد خواهد کرد. این اعتراض‌ها نشان‌دهنده پیوند روزافزون میان مطالبات کارگری و دفاع از حقوق مهاجران در ایالات متحده است.

***ادامه اعتراضات در آلبانی علیه سیاست‌های دولت**

روزجمعه 10 ژوئیه، اعتراضات در آلبانی ادامه یافت. این اعتراض‌ها که در ابتدا در مخالفت با ساخت مجتمع‌های گردشگری در مناطق حفاظت‌شده آغاز شده بود، اکنون به جنبشی علیه فساد، خصوصی‌سازی منابع طبیعی و سیاست‌های دولت تبدیل شده است.



در روزهای اخیر، تصمیم دولت برای اختصاص 4 میلیون یورو از بودجه عمومی به برگزاری کنسرت «کانیه وست» نیز موج تازه‌ای از انتقادها را برانگیخت. معترضان با اشاره به مشکلات معیشتی، کمبود بودجه بخش‌های درمان و آموزش و تخریب محیط‌زیست، این اقدام را نمونه‌ای از بی‌توجهی دولت به مطالبات مردم دانسته و خواستار تغییر سیاست‌های اقتصادی و زیست‌محیطی شدند.

akhbarkargari2468@gmail.com